



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۱/۳۰

داکتر مطهر

## نقد بر شکاکان پته خزانہ

د یود نیل مکزی (David Neil MacKenzie) زبانشناس برطانوی در سال ۱۹۲۶ میلادی تولد شده و در سالهای ۴۶-۱۹۴۵ در اردوی برطانوی در هندوستان ایفای وظیفه مینمود. وی در آن سالها در ایالت صوبه سرحد هندوستان گماشته شده بود و اغلباً درین دوران زبان پښتو را آموخته بود. چند دهه بعد پارچه های اشعار خوشحال خان ختک را بزبان انگلیسی ترجمه و نشر کرده بود.

مکزی در مقاله تحت عنوان "توسعه رسم الخط پښتو" در سال ۱۹۸۸م در کتاب "زبانهای آسیای مرکزی" شکل رسم الخط زبان پښتو را بیان مینماید. در قسمت آخر مقاله وی مینویسد: "بیش از چهل سال است که پته خزانہ در افغانستان محبوبیت پیدا کرده است و ادعا اینست که این کتاب تذکره شعرای پښتو میباشد که در قندهار در سال ۱۱۴۲هـ/ ۱۷۲۹م تالیف گردیده است... در بین پښتو زبانها قلندر مومند نقاد مشهور این کتاب بشمار میرود... قلندر مومند به بسا اغلاط و سهو های زمانی (anachronisms) درین کتاب اشاره نموده است که از جمله استعمال حروف (خ) و (ن) در سراسر کتاب است و گفته است که باید یاد آوری نمود که این حروف چند سال قبل از "کشف نمودن" پته خزانہ در افغانستان معرفی شده بود... و این دو حرف قبل از سال ۱۹۳۵م هرگز به طور هم زمان در هیچ نسخه خطی پیدا نشده است. برای اینکه قصه را کوتاه نمایم، هیچ شکی نیست که نسخه خطی بی نظیر پته خزانہ که به سال ۱۸۸۶م تعلق دارد و در ۱۹۷۵ عکس آن نشر گردیده با تمام محتویات آن کاملاً جعلی است و امکان دارد که در حدود ۱۹۴۰ جعل گردیده باشد..."

متن نسخه خطی پته خزانہ که بسال ۱۳۰۳ هجری (۱۸۸۶ م) استنتاج شده در آرشیف ملی افغانستان موجود است. کاتب پته خزانہ در آخر کتاب بزبان دری (فارسی) چنین مینگارد. "این کتاب را احقر الناس محمد عباس قوم کاسی در شهر کویته بلوچستان خاص از برای عالیجاه تجارت نشان حاجی محمد اکبر قوم هوتکی قلمی کرد سنه (۱۳۰۳) هجری باستعجال تمام قلمی شد."

این نسخه خطی پته خزانہ در شهر کویته تحریر گردیده و با طرز نوشتن الفبای پښتو در چوکات رسمی افغانستان هیچ ارتباطی ندارد. ادعای قلندر مومند اینست حرف (خ) با همزه بر سر (ح) در زمان کتابت پته خزانہ مروج نبود. این تعبیر قلندر مومند یک ادعای بی بنیاد و بی اساس است. وی تاکید میکند که این شکل نوشتن (خ) ایجاد محمد گل خان مومند است که در سال ۱۹۳۶ مروج شده بنابراین پته خزانہ کتاب جدید بوده و در سال ۱۸۸۶م استنتاج نشده است.

در مقاله به عنوان "د (خ) توری پس منظر" نویسنده برجسته پښتو محمد معصوم هوتک مینگارد که نوشتن (خ) به طرز مروجه امروزی ایجاد محمد گل خان نمیباشد و اسنادی موجود است که بیست سال قبل از تولد محمد گل خان (خ) به همین شکل فعلی اش نوشته میشود. معصوم هوتک مینگارد که در کتاب "لغات افغانی" که قبل از ۱۹۳۶م تمام شده (خ) به همین شکل کنونی نوشته شده است، همچنین در دیوان اختر محمد که بسال ۱۹۳۲م در لاهور چاپ شده (خ) به همین شکل نوشته شده و آشکار میسازد که نوشتن (خ) با همزه ایجاد محمد گل نبوده است طوریکه قلندر مومند و مکزی ادعا نموده اند. همچنین در "نصاب افغانی" که به قلم محمد اسماعیل بسال ۱۸۶۶م نوشته شده شکل (خ) مانند شکل مروجه امروزی میباشد.

منشی کریم بخش کتاب کوچکی را بسال ۱۳۰۶ هجری (۱۸۸۹ میلادی) برای اردو زبانان تالیف نموده تا آنها پښتو بیاموزند. در یک شعر اردو تحت عنوان، "باب اول در اشکال حروف و رسم الخط"، نویسنده کتاب حروف خاص پښتو را تشریح میکند و در حاشیه طرز نوشتن این حروف را در کلمات استعمال کرده است.

۱. بر سر (ح) عربی سه نقطه گذاشته میشود و بشکل (خ) می نویسد. (خومره، خرنگه، خوک)
۲. بر سر (ح) عربی همزه گذاشته میشود و بشکل (خ) می نویسد. (خونر، خای)
۳. بر (ر) عربی بالا و پایین نقطه گذاشته میشود و بشکل (ر) می نویسد. (میری)

د پانو شمیره: له 1 تر 3

۴. بر (س) عربی بالا و پایین نقطه گذاشته میشود و بشکل (بن) می نویسند. (بناسته، لینکر)

۵. تحت (ت) یک حلقه گذاشته میشود و بشکل (ت) می نویسند. (تکول، لتول)

۶. تحت (ر) عربی یک حلقه گذاشته میشود و بشکل (ر) می نویسند. (بربر، لور)

با ملاحظه شواهد بالا ادعای مکنزی نه تنها کاملاً غلط بلکه دور از روش زبانشناسی میباشد. مکنزی بدون اینکه برین مسئله تحقیق و تجسس نماید به این نتیجه خطب آمیز خویش رسیده است. بر علاوه مکنزی لهجات مختلف پشتو و فرق گسترده لهجات بین پشتو زبانان شرقی و جنوب غربی پشتونخوا را مد نظر نه گرفته است و اینطور معلوم می شود که این پدیده ذهن وی را مغشوش ساخته است.

شکاکی عمده دیگر قلندر مومند که به آن مکنزی اشاره نموده موضوع سهو زمانی میباشد. وی ادعا دارد که در شعر بنکارندوی که در پته خزانه آمده و در زمان سلطان شهاب الدین محمد سام شنسبانی غوری در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده نام اټک تحریر گردیده است. بنکارندوی می نویسد: "په هر کال اټک د ده ښه راغلي کاندی" قلندر ادعا دارد در آن زمان هیچ اثر تاریخی موجود نیست که ذکر کلمه اټک را کرده باشد چون این نام را جلال الدین اکبر در سال ۹۸۹ هـ، ۱۵۸۱ م در وقت بنای یک قلعه نزدیک دریای سند استعمال کرده است

شاعر و دانشور زبان پشتو همیشه خلیل در کتاب تول پارسنگ صفحه ۳۰۷ مینویسد: "اټک از کلمه هندی (اټکا) یعنی استاده مشتق گردیده و قدامت این کلمه را از زمان آریایی تا امروز یاد اوری مینماید. همچنان روایت دیگر کلمه اټک را مشاهده مینمایم در کتاب نقشه تاریخی آسیا جنوبی

(A Historical Atlas of South Asia) جوزف شوارتزبرگ (Joseph Schwartzberg) که به نام اټکا (Ataka) در نقشه اول هندوستان اشاره مینماید. همچنین در نقشه دوره غوریان بنام هندوستان شمالی و حوزه های مجاور در دوران غوریان و مملوک ۱۱۷۹-۱۲۹۰ م اټکا بشکل اټک آمده است.

(North India and Adjacent Areas in the Time of the Ghorids and Mamluks 1179-1290)

نظر به اسناد بالا چنین استدلال میشود که قلندر مومند یک شاعر بوده که از وقایع تاریخی آگاهی زیادی نداشته است. بدین لحاظ او به عمق و جذابیت اشعار پشتوی پته خزانه حسرت برده و حسادت نشان داده است و آنرا جعلی خوانده است.

برعلاوه همیشه خلیل در مقاله تحت عنوان "انکرانیزم" که در شماره دوم مجله شمشاد بسال ۱۹۹۶ م نشر گردیده مینگارد که این اعتراض هیچ بنیاد علمی یا تاریخی ندارد چون علاقه بنام اټک در زمان وفات شیر شاه سوری (۹۵۲ هـ، ۱۵۴۵ م) در دوران سلیم شاه، پسر شیر شاه، وجود داشت. در ترجمه اردو منتخب التواریخ ص ۲۷۷ که در سال ۱۵۹۵ م تکمیل گردیده آمده که: "بعد ازین واقعات زمانیکه سلیم شاه به دهلی رسید خیر شد که همایون به اراده حمله بر هندوستان به اټک رسیده است." ازین اقتباس آشکار میگردد که به نام اټک یک علاقه یا شهری بیش از ۳۷ سال قبل از نام گذاری قلعه اټک توسط اکبر پادشاه وجود داشته و این نام تاریخی ادعای سهو زمانی قلندر مومند را نقض میکند.

عبدالکریم بریالی موضوع جدید بودن پته خزانه را در مقاله "په پته خزانه د جدیدیت الزام او د هغه تحلیل" که در شماره دوم مجله شمشاد چاپ شده به تفصیل بررسی نموده است. وی به این نتیجه میرسد که قلندر مومند طرز نوشتن صد سال قبل پته خزانه، ادب و لهجات زبان پشتو را، که کم و بیش یک هزار سال قدامت دارد، در چوکات یک لهجه زبان که امروز مروج است آورده است، و برای اینکه موقف خویش را اثبات کند بیهوده به منفی بافی پرداخته است، ولی درین کار خویش نتوانسته کدام نتیجه مثبت بدست آورد.

ناگفته نماند که طرز نوشتن حروف در مناطق مختلف پشتونخوا از هم فرق دارد، بطور مثال حرف (ر) را بعضی نویسندگان پینتو صوبه سرحد بشکل (ر) مینوشتند. این امر معنی آنرا ندارد تا در همه جای های پشتونخوا یک حرف یکسان نوشته شود. استعمال حروف و طرز نوشتن مناطق شرقی و غربی پشتونخوا، طوریکه در محاوره از هم فرق دارد طرز نوشتن آن هم، مخصوصاً آن حروفی که در عربی وجود ندارد، و حروف خاص پینتو است از هم تفاوت داشته است. در شماره ۱۲ سال ۱۹۳۳ م جریده اصلاح چند شعر پینتو گنجانیده شده است. درین اشعار (مور یعنی ما) در تمام جریده بشکل (مونگ) نوشته شده و زمین (مُکه) بشکل (مژکه) آمده که این رسم الخط دران زمان در قسمت های شرقی افغانستان یعنی ننگرهار، لغمان و کنر مروج بوده است و این معنی آن را نمیدهد که یک نسخه خطی که در قندهار یا هلمند نوشته شده باشد باید شباهت در رسم الخط با لهجه شرقی داشته باشد. مناطق جنوب غرب افغانستان لهجه و طرز نوشتن خط مخصوص خویش را داشتند و کتب و مکتوباتی که درین مناطق نوشته شده از اسناد قسمت های شرقی در رسم الخط پشتو تفاوت دارد. پته خزانه در قندهار با لهجه و رسم الخط قندهاری نوشته شده است.

باید تاکید کرد که مکنزی به اسناد دیگر پشتو توجه نکرده و هم با مردم مناطق جنوب غربی افغانستان اغلباً تماس نداشته به نتیجه گیری بی اساس و یک طرفه خود رسیده است و بدون کدام سند یا مدرک ادعا جعل کاری پته خزانه

را بمیان آورده است. اینکه یک زبان شناس مانند مکنزی اینگونه ادعای غیر علمی و بی اساس را کرده است غیر قابل قبول است.

حالا بر میگردیم به این موضوع که چه باعث این شده که مکنزی، که توسط مطبوعات انگلستان افضل‌العلمای زبانشناسی پنداشته شده، اینگونه ادعای غیر علمی را در مورد پته خزانه وارد کند. درین مورد دو احتمال وجود دارد.

اول اینکه مکنزی تحت اثر قلندر مومند رفته و مانند مرید وی هر چه که آن نویسنده و شاعر پشتو که به خود پرستی تام شهرت داشت گفته آنرا قبول نموده بدون اینکه چهار بر موضوع را خودش منحصراً یک دانشمند بررسی نماید نتیجه گیری کرده است. بر علاوه ازین اینطور به نظر می‌رسد که این اعلم‌العلمای انگلیس شیوه استعماری کهن انگلیس را فراموش نکرده و بدون بعهده گرفتن یک بررسی علمی این کتاب را یک اثر "کاملاً جعلی با تمام محتویات آن دانسته است."

سوال دوم درینجاست که آیا این زبان شناس پته خزانه را خوانده است یا نه؟ برای اینکه یک شخص عمق پته خزانه را بفهمد باید توانایی آنرا داشته باشد که یک فرهنگ و زبان دیگر را کاملاً درک کند و ادعای کاملاً بیجا و بی اساس قلندر مومند را تائید و تکرار نکند. این گونه استدلال از چوکات علم و فضیلت کاملاً دور است. نقادان پته خزانه که در اوراق ویب گفتار مکنزی را مانند یک سند آسمانی می‌گمارند به اشتباه او متوجه نشده یا اجنبی پرستی ایشان به اندازه عوج کرده که هر چه را که یک زبانشناس دوره استعماری انگلیس بیان کرده آنرا بی پروا و جسورانه قبول نمایند. اینگونه شکاکي در علم و ادب رد شده و قابل قبول علماً و دانشمندان زبان و مردم باشعور نمی‌باشد. این انتشارات بی اساس و بدون اسناد علمی بجز اینکه به مقصد تاریک ساختن اذهان مردم باشد کدام ارزش علمی ندارد.

## مراجع

۱. سلیمان ماکو، تذکرة الاولیاء، سرریزه، سمون او نینلونی د پوهاند عبدالحی حبیبی، د پېښور چاپ، ۲۰۰۰م کال.
۲. مرزا زاهد افغانی دیوان (۱۹۰۵م) خطی نسخه.
۳. منشی کریم بخش (۱۸۸۹) کلید زبان پشتو، مطبع متروس، لاهور.
۴. محمد معصوم هوتک، د (خ) توری تاریخی پس منظر. ص ۳۱۷-۳۲۶. شمشاد، دویمه گڼه ۱۳۷۵ ه، ش کال.
۵. عبدالکریم بریالی، په "پته خزانه" د جدیدیت الزام او د هغه تحلیل، ص ۲۹۵-۳۱۵. شمشاد، دویمه گڼه ۱۳۷۵ ه، ش کال.
۶. همیش خلیل، تول پارسنگ، ساپی د پښتو څیړنو او پراختیا مرکز، پېښور، ۲۰۰۴م.
۷. همیش خلیل، اینکرانیزم، ص ۵۴-۶۴. شمشاد، دویمه گڼه ۱۳۷۵ ه، ش کال.
۸. زلمی هیوادمل، پته خزانه او د سرحد پښتانه، ص ۶۵-۱۹۷. شمشاد، دویمه گڼه ۱۳۷۵ ه، ش کال.
۹. محمد ابراهیم عطایی، پته خزانه د اتنوگرافی تحقیقاتو له پلوه، ص ۵۹-۷۵. د محمد هوتک یاد، د محمد هوتک ملی سیمینار د مقالو مجموعه، د افغانستان د علومو اکاډیمي، ۱۳۶۲ ه، ش کال.
۱۰. دوست شینواری. د پتی خزانی د مولف ژبه، ص ۷۶-۸۴. د محمد هوتک یاد، د محمد هوتک ملی سیمینار د مقالو مجموعه، د افغانستان د علومو اکاډیمي، ۱۳۶۲ ه، ش کال.